

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال نوزدهم، شماره هفتادوسوم

بهار ۱۳۹۷

نقش دانشمندان شیعه در گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی در شامات از آغاز تا پایان قرن هفتم هجری

تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۱/۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۱۲

حسین مرادی نسب^۱

هادی شمس آبادی^۲

هجرت دانشمندان شیعه به مناطق شام و وجود برخی دولت‌های شیعی شامات، از جمله عوامل مؤثر بر رشد علوم مختلف عقلی و نقلی در این منطقه بوده است. این مقاله، با بهره‌گیری از فهرس و منابع رجالی و شرح‌حال‌ها و نیز تواریخ عمومی و محلی و خاندان‌ها و دودمان‌ها، کوشیده است عوامل حضور علمای شیعه در شام و نقش آنها در گسترش فرهنگ و علوم اسلامی را تا پایان قرن هفتم هجری مورد بررسی قرار دهد. به استناد یافته‌های پژوهش و با توجه به آثار ماندگار مکتوب و غیرمکتوب، می‌توان از سهم بزرگ علمای شیعه در این زمینه سخن گفت.

کلیدواژگان: شیعه، نقش علمی شیعیان، دانشمندان شیعه، دولت‌های شیعی، شامات.

۱. استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: hmoradi@rihu.ac.ir

۲. کارشناس ارشد تاریخ تشیع: shamsdooja@gmail.com

مقدمه

اهمیت جایگاه علم و عالم در نظام اسلامی، به خصوص در قرآن و احادیث روشن است. به همین سبب، طالبان علم در پی تحصیل در مراکز علمی، اعم از دینی و غیردینی، برمی آمدند؛ چنان که بسیاری به درجات والای علمی رسیده و تألیفاتی گران سنگی از خود بر جای گذاشتند و همواره بر حاکمیت و مردم تأثیرگذار بوده و همیشه مورد احترام تمام اقشار جامعه، اعم از حکمرانان و مردم ناحیه خود بودند؛ زیرا دولتمردان بر این مسئله واقف بودند که برای استحکام حاکمیت، به دانشمندی نیاز دارند تا به امور حکومت و رعیت خود سامان دهند. شیعه، یکی از فرق بزرگ اسلامی است که قائل به خلافت منصوص امیر مؤمنان علیه السلام و فرزندان وی است. به تبع، دانشمندی که چنین تفکری داشتند، نقش اساسی در گسترش و اعتلای فرهنگ اصیل اسلامی ایفا نمودند که به تحولات بزرگی در تمدن اسلامی نیز منجر شده است. تبحر دانشمندان شیعه در زمینه: تفسیر، حدیث، بلاغت، ادبیات و علوم دیگر، موجب بسط و نشر فرهنگ و تمدن اسلامی در سرزمین شامات شد که به عوامل آن اشاره خواهد شد.

این دانشمندان با ایجاد مراکز علمی، فرهنگی و اجتماعی، تحولات بزرگی در منطقه با حمایت دولت‌های شیعه ایجاد کردند؛ حتی در حاکمیت کارهایی را بر عهده گرفتند.^۱ عالمان شیعه توانستند در دولت‌هایی مانند: حمدانیان (حک: شاخه حلب، ۳۳۳-۳۹۴ق؛ شاخه موصل، ۲۹۳-۳۸۹ق)، فاطمیان (حک: در شامات در دوره اقتدار وزرات فاطمی، ۴۵۰-۴۸۷ق)، بنی مرداس (حک: ۴۱۴-۴۷۲ق) و بنی عمار (حک: ۴۶۰-۵۰۲ق)، پست‌های کلیدی کشور مانند قضاوت را به دست بگیرند و از چنان جایگاهی برخوردار شوند که حاکمان و وزیران علاوه بر احترام و بزرگداشت علم و عالم، در جلسات علمی آنان شرکت کنند؛ حتی حاکمان در بسیاری از امور با آنان مشورت می‌کردند؛ چنان که حاکم حلب برای

۱. ابن ابی صبیعه، عیون الانباء، ص ۶۶۱ - ۶۶۲.

جولوگیری از تخریب مدرسه شافعی‌ها توسط مردم حلب، از علمای شیعه کمک خواست^۱ و این علاوه بر کمک خواستن حاکمان از علمای شیعه، نشان از فرهنگ مدارای علمای شیعه با دیگر مذاهب است. همین احترام، سبب شد که بسیاری از دانشمندان از مناطق مختلف به منطقه شامات مهاجرت کنند؛^۲ چنان‌که ابوالفتح بن صلاح (م ۵۴۸ق)، عالم شیعی، با تبحری که در علم ریاضی و پزشکی داشت، پس از هجرت به شام، به ترویج این دو علم و تربیت شاگردان بسیاری مبادرت کرد.^۳ منصور بن مسلم حلبی (م ۵۱۰ق)، شاعر، ادیب و معلم بود که از حلب به دمشق رفته بود و در مساجد آنجا به کودکان آموزش قرآن می‌داد.^۴

البته در برخی از دوره‌ها که حاکمیت با آنان همراه نبودند، در تنگناهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی قرار می‌گرفتند و مجبور به ترک آن ناحیه می‌شدند.^۵ ایوبیان (۵۶۷-۵۶۶ق)، برخی از بزرگان شیعه از جمله: حمید (حمیده) بن یحیی (م. نامعلوم) و ابی‌طی بن ظافر طائی حلبی غسانی، عالم و شاعر حلبی را به اربیل تبعید کردند.^۶ از طرفی، شیعیان شامات ارتباط قوی با علمای بنام بلاد دیگر داشتند؛ چنان‌که بسیاری از مسائل و احکام خود را از علمای صاحب‌نام هم‌عصر خود که در منطقه حضور نداشتند، مانند سید مرتضی (م ۴۳۶ق) سؤال می‌کردند که این امر، سبب تألیف آثار چونی: *رسائل الصیداویة*، *رسائل طرابلسیة و مسائل الحلبيیة* شده است.^۷

۱. ابن شداد، *اعلاق الخطیره*، ج ۱، ص ۲۴۱؛ هاشم عثمان، *تاریخ شیعه در شام*، ص ۳۷ - ۳۸.

۲. قفطی، *انباه الرواة*، ص ۱۰۵.

۳. ابن قلانسی، *الذیل المذلل علی تاریخ دمشق*، ج ۱، ص ۴۹۸.

۴. قفطی، *انباه الرواة*، ج ۳، ص ۳۲۶.

۵. ذهبی، *العبر*، ج ۳، ص ۱۷۵.

۶. ابن عدیم، *بغیة الطلب*، ج ۴، ص ۱۵۵۹؛ مقریزی، *المواعظ والاعتبار*، ج ۴، ص ۳۹۷.

۷. ابن شهر آشوب، *معالم العلماء*، ص ۱۰۵.

شایان ذکر است که بسیاری از دانشمندان اهل سنت در مورد بزرگان و مراکز علمی و اماکن مقدسه شامات آثاری نگاشته‌اند. در این مقاله، به عوامل سبب حضور دانشمندان، اعم از فقیهان، شاعران و افراد بانفوذ شیعه در منطقه شامات از آغاز تا پایان قرن هفتم پرداخته شد و به نقش اساسی آنان در گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی اشاره گردیده است و در پایان، به معرفی چند تن از دانشمندان شیعه به اجمال پرداخته شده است. از سوی دیگر، برای روشن شدن موضوع بحث، توضیح برخی مفاهیم مورد استفاده در مقاله ضروری است.

* **فرهنگ:** در لغت به معنای: علم، ادب، تعلیم و تربیت^۱ و مجموعه آداب و رسوم^۲ است. فرهنگ، معادل واژه Culture از کلمه Cult و Cultivare به معنای «پرورش گیاهان و زمین» و به مفهوم وسیع‌تر، یعنی «پرورش، رشد و نمو، آداب و رسوم و قواعد یک ملت»^۳. جامعه‌شناسان برای واژه «فرهنگ» تعریف‌های مختلفی ذکر کرده‌اند.^۴ برخی اندیشمندان اسلامی فرهنگ را به عنوان «عاملی که به زندگی انسان معنا و جهت می‌دهد»، تعریف نموده‌اند. برای شناخت مفهوم فرهنگ در نظام دینی (اسلامی)، باید رابطه آن را با دین سنجدید. اندیشمندان اسلامی در تعریف دین حق «اسلام» گفته‌اند: «مجموعه‌ای از باورهای قلبی و تکالیف دینی که از سوی خدای متعال بر پیامبر اسلام ﷺ، و به منظور تأمین سعادت دنیوی و اخروی بشر نازل شده است.» در نتیجه، معناداری زندگی انسان، در گرو انجام اعمال و رفتارهایی است که در چارچوب نظام ارزشی ویژه یک جامعه، و در راستای باورها و نظام عقیدتی آن جامعه انجام می‌گیرد و

۱. دهخدا، لغت‌نامه، ماده «فرهنگ».

۲. معین، لغت‌نامه، ماده «فرهنگ».

۳. رفیع پور، آنتانومی جامعه، ص ۲۹۵.

۴. رک: آشوری، تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، ص ۸؛ محمدی، نقش فرهنگ و تمدن در بیداری غرب، ص

۴۶؛ مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۱۹۰؛ انوری، فرهنگ روز

سخن، ص ۸۶۹.

چون مطابق بینش اسلامی، تنها جهان بینی حق و به تبع آن، تنها نظام عقیدتی و ارزشی صحیح، دین اسلام است، ما عامل معناداری و جهت دهنده زندگی انسان را «دین» می دانیم. از این رو، فرهنگ بر دین انطباق می یابد.^۱

* **تمدن:** در لغت از ریشه «مدینه» و «مدنیت» به معنای شهرنشینی است.^۲ این واژه در اصطلاح، با توجه به نگاه متفاوت هر علم، تعاریف گوناگونی پیدا کرده است.^۳ ویل دورانت، تمدن را عبارت از نظم اجتماعی دانسته است که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی، امکان و استمرار می یابد.^۴ برخی نیز تمدن را حاصل تعالی فرهنگی و پذیرش نظم اجتماعی دانسته، به قول ابن خلدون آن را «عمران یافتن» دانسته اند.^۵ سه مؤلفه

۱. ر.ک: مصباح یزدی، پرسشها و پاسخها، ج ۳، ص ۱۳۹.

۲. محمدی، نقش فرهنگ و تمدن در بیداری غرب، ص ۴۵.

۳. هر گروهی، نگاه خاصی به تعریف تمدن دارد و تعریف جامعی از آن ارائه نداده اند؛ به عنوان نمونه، تمدن از نظر باستان شناسان، عبارت است از وجود آثار هنری و باستانی؛ از نظر مؤرخان، تمدن عبارت است از میراث گذشته یک جامعه که به نسل آینده انتقال می یابد؛ از نظر سیاسی ها، تمدن عبارت است از برقراری روابط خارجی و حُسن جریان امور داخلی کشور است (محمدی، نقش فرهنگ و تمدن در بیداری غرب، ص ۴۷)؛ از نظر جامعه شناسان، تمدن حالتی مترقی است که ملتها در پرتو آن تحت تأثیر دانش های جدید قرار می گیرند و به کمال ترقی علوم و فنون می رسند؛ متفکران اجتماعی، تمدن را ترکیبی از امنیت، فرهنگ، نظم و آزادی دانسته اند. (حجازی، نقش پیامبران در تمدن انسان، ص ۱۹ و ۲۱) در تعریفی دیگر، تمدن را مجموعه دستاوردهای مادی و معنوی بشر در یک منطقه، کشور یا عصر معین، یا حالات پیشرفته و سازمان یافته فکری و فرهنگی هر جامعه که نشان آن، پیشرفت در علم و هنر و ظهور نهادهای اجتماعی و سیاسی است، دانسته اند. (انوری، فرهنگ روز سخن، ص ۳۳۷) تمدن از نظر ساموئل هانتینگتون، بالاترین گروه بندی فرهنگ و گسترده ترین سطح هویت فرهنگی به شمار می آید. (ساموئل هانتینگتون، نظریه برخورد تمدن ها، ص ۴۷)

۴. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۵.

۵. ولایتی، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، ج ۱، ص ۲۲.

اصلی تمدن، عبارت‌اند از: زندگی اجتماعی، اعتقاد به نوعی وحدت میان این کثرت‌ها و تقسیم کار در عین وحدت.^۱

مصباح یزدی در خصوص رابطه فرهنگ و تمدن گفته است که مسائل فرهنگ، بیشتر ذهنی و روحی است؛ اما نمودهای آن در جامعه، به صورت عینی و خارجی (مدارس، مساجد، کتابخانه‌ها، دستگاه‌های اداری و همه چیزهایی که برای مدیریت کشور لازم است)، ظهور می‌یابد که به آن، «تمدن» گویند. پس، با رشد تفکر اسلامی و پرورش نیروی انسانی، می‌توان تمدنی عالی داشت. در این نگاه، فرهنگ ریشه تمدن است^۲ و به عبارت دیگر، تمدن، زاییده فرهنگ است.

* **دانشمندان:** برخی میان اصطلاح «دانشمند» و «عالم» تفاوت قائل شده و گفته‌اند عالم، کسی است که در علوم دینی خُبره است و دانشمند، کسی است که در علوم و فنون روز تخصص دارد؛ اما در لغت، هر دو به معنای دارای دانش^۳ و تخصص در یک رشته علمی است.^۴ منظور از دانشمندان شیعه در این نوشتار، عالمانی است که با علم و دانش خود سبب رشد و شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی شده‌اند.

* **شام:** جمع شامه، در لغت به معنای خال سیاه، لکه یا اثر سیاه بر روی زمین، و نیز لکه‌های سیاهی که بر روی کره ماه دیده می‌شود. یا به جهت آنکه در شمال کعبه قرار گرفته، شام نامیده شده است.^۵ در اصطلاح، به جهت زیادی و نزدیک بودن روستاها در کنار هم «شام» گفته شده است.^۶

۱. مصباح یزدی، مقاله تمدن از دیدگاه مصباح یزدی، وبگاه تقریب مذاهب.

۲. همان.

۳. دهخدا، لغت‌نامه، ماده «عالم» و «دانشمند».

۴. عمید، لغت‌نامه، ماده «دانشمند».

۵. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۲، ص ۳۲۹؛ همان، ج ۱۳، ص ۳۶۴.

۶. حموی، معجم البلدان، ج ۳، ص ۳۱۲.

*** محدودده:** بحث پیش رو، از جهت زمانی، از آغاز تا پایان قرن هفتم مورد مطالعه است و از نظر مکانی، منطقه جغرافیایی شام یا شامات است که نام پیشین سوریه^۱ کنونی است که امروزه شامل کشورهایمانند: سوریه، اردن، لبنان، فلسطین، قبرس و بخش‌هایی از جنوب ترکیه را دربردارد و از شهرهای مهم شام می‌توان: دمشق، انطاکیه، حلب، طرابلس و موصل را نام برد.^۲

مقالات و کتاب‌هایی درباره نقش علما و دانشمندان شیعه نوشته شده است؛ اما در مورد نقش آنان در شامات کار مستقلی انجام نشده است؛ هرچند در لابه‌لای متون تاریخی و برخی از کتاب‌ها، به مواردی اشاره شده است؛ از جمله می‌توان این منابع را نام برد: کتاب: حلب و تشیع از شیخ ابراهیم نصرالله،^۳ *احیاء الحلب و اسواق‌ها* از خیرالدین اسدی،^۴ *دولت حمدانیان* تألیف فیصل عامر و ترجمه ذکاوتی،^۵ *تمدن اسلامی در سرزمین شام از برافتادن بنی‌امیه تا برآمدن ایوبیان* از اعظم رحمت‌آبادی^۶ و مقاله «بررسی وضعیت شیعیان در حلب عهد بنی‌مرداس» از حسین بادکوبه و محجوب زمانی.^۷

۱. کلمه «سوریه» مانند واژه «شام»، بر سرزمین‌های مختلف و بر همه شامات اطلاق می‌شده؛ هرچند امروزه فقط بر دمشق و چند استان و آبادی دیگر گفته می‌شود. در دوران‌های گذشته، به سرزمین شام، سوریه نیز می‌گفتند. گویند: سوریه، نامی برای شام است. (محمد کردعلی، *خطط الشام*، ج ۱، ص ۴۷)
۲. حموی، *معجم البلدان*، ج ۳، ص ۳۱۲؛ زکریا قزوینی، *آثار البلاد و اخبار العباد*، ص ۱۳۷.
۳. نصرالله، *حلب و تشیع*، بیروت: مؤسسه الوفاء، اول، ۱۴۰۳ق.
۴. اسدی، *احیاء حلب و اسواق‌ها*، دمشق: وزارة الثقافة، ۱۹۸۴م.
۵. سامرفیصل، *دولت حمدانیان*، ترجمه ذکاوتی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰ش.
۶. رحمت‌آبادی، *تمدن اسلامی...*، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، دوم، ۱۳۹۶ش / ۱۴۳۸ق.
۷. بادکوبه و زمانی، «بررسی وضعیت شیعیان در حلب عهد بنی‌مرداس»، *مجله مطالعات تاریخ اسلام*، ش ۱۴، پاییز ۱۳۹۱ش.

امتیاز این پژوهش، آن است که به نقش علما و دانشمندان شیعه در منطقه شام و عواملی که موجب نشر و بسط فرهنگ و تمدن اسلامی از آغاز تا پایان قرن هفتم تأثیرگذار بوده، پرداخته است.

۱. زمینه حضور علمای شیعه در مناطق شام

حضور دانشمندان شیعه در این مناطق، بیشتر به سبب دولت‌های محلی شیعه بود؛ زیرا آنان به سبب علم دوستی، زمینه مهاجرت دانشمندان را از نقاط مختلف به مناطق شام (حلب و برخی از مناطق دیگر) فراهم کردند؛ از جمله می‌توان به ابونصر فارابی (م ۳۳۸ق) که در فلسفه و علوم عقلی تبحر داشت، اشاره کرد که در سال ۳۳۰ق از ماوآالنهر به حلب مهاجرت کرد و در خدمت سیف الدوله قرار گرفت^۱ و تأثیر گسترده‌ای در رشد علوم عقلی و فلسفه داشت. حاکمان بنی‌عمار، از جمله آنان جلال‌الدین الملک ابوالحسن علی‌بن محمد بن عمار (حک: ۴۶۲-۴۹۴ق)، فقیه معروف شیعه، یعنی سعدالدین عبدالعزیز برآج طرابلسی (م ۴۸۱م) را که شاگرد سید مرتضی و ملازم شیخ طوسی بود، به منصب قاضی القضاة دولت خود منصوب کرد.^۲ برادر این حاکم، فخر الملک ابوعلی - ابوالفضل - عمار بن محمد بن عمار (حک: ۴۹۴-۵۰۳ق)، فرهنگ‌دوست و از حامیان علم و دانش بود و از دانشمندان و شاعران شیعه حمایت می‌کرد و آنان را در صدر مجلس قرار می‌داد.^۳ از جمله عوامل چنین حضوری در این گسترده جغرافیایی عبارت‌اند از:

۱-۱. وجود صحابه خاص امیر مؤمنان، علی علیه السلام

نخستین نشانه‌های تشیع در قرون اول هجری در منطقه شام، زمانی آشکار شد که ابوذر در شام مردم را به دوستی و ولایت علی علیه السلام فرا خواند.^۴ حضور ابوذر در فتوحات

۱. ابن‌ابی‌اصیبه، عیون‌الأنباء، ص ۶۰۳؛ صفا، تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی، ص ۱۸۲.

۲. ابن‌براج، عبدالعزیز، المهدب، مقدمه؛ جعفریان، اطلس شیعه، ص ۵۰۴.

۳. هاشم عثمان، تاریخ شیعه در شام، ص ۷۷.

۴. ابن‌یونس عاملی، الصراط‌المستقیم، ج ۲، ص ۶؛ کردعلی، خطط الشام، ج ۳، ص ۱۵۵.

جاییه^۱ و بیت المقدس^۲ و اقامت یک ساله او در شام،^۳ سبب نشر مکتب اهل بیت علیهم السلام شد؛ به طوری که بعدها در مناطق جبل عامل، مساجدی به نام او ساخته شد.^۴ همچنین، صحابه دیگر مانند: مالک اشتر، مسلمة بن هاشم و جابر بن عبدالله انصاری^۵ و افراد دیگر، نقش سازنده‌ای در نشر و بسط فرهنگ اصیل اسلامی داشته‌اند؛ چنان که برخی از مصریان از جابر احادیثی نقل کرده‌اند.^۶ همچنین، حضور صحابه در شامات، از جمله جبل عامل، در فرهنگ مردم آن ناحیه نقش بارزی داشته‌است.^۷

۲-۱. حمایت دولت‌ها از دانشمندان شیعی

وجود دولت‌های شیعی، زمینه مناسبی را برای حضور دانشمندان شیعه و کسانی که گرایش به مکتب اهل بیت علیهم السلام داشتند، در آن منطقه فراهم آورد. دانشمندان تحت حمایت حاکمان شیعی مذهب به فعالیت‌های آموزشی، دینی، فرهنگی و عام المنفعه اقدام می‌کردند؛ برای نمونه، وجود دولت حمدانی و امیران مستقل محلی مانند بنی مرداس (حک: ۴۱۴-۴۷۲ق) و بنی عمار (حک: ۴۶۰-۵۰۲ق) در مناطقی از شام سبب جذب دانشمندان شیعه شد. حمدانیان شیعه مذهب به حمایت از خاندان‌ها و عالمان شیعه^۸ می‌پرداختند و به رشد و اعتلای تمدن و فرهنگ اسلامی در حلب می‌افزودند؛ حتی حضور عالمان شیعه، سبب افزایش جمعیت در این شهر شد.^۹ تحت همین حمایت‌ها، آثار شیعی

۱. جایبه (بکسر الباء و یاء خفیفه): دهکده‌ای از نواحی دمشق است. (حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۹۱)

۲. ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۶، ص ۱۷۴.

۳. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۷۱.

۴. امین، خطط جبل عامل، ص ۶۵.

۵. واقدی، فتوح الشام، ج ۱، ص ۶۹، ۲۲۵، ۲۷۵ و ۲۷۸؛ همان، ج ۲، ص ۲۷۲ و ۳۰۴.

۶. ابن عبدالحکم، فتوح المصر و اخبارها، ص ۵۸۴.

۷. حرّ عاملی، الامل آمل، ج ۱، ص ۱۳.

۸. امین، اعیان الشیعة، ج ۹، ص ۱۱۹.

۹. ابن عدیم، بغیة الطلب، ج ۱، ص ۶۰؛ کردعلی، خطط الشام، ج ۶، ص ۲۴۷.

تألیف و نشر داده شد و گاهی به حاکمان و امیران تقدیم شد؛ برای نمونه، ابوالفرج اصفهانی (م ۳۵۶ق) کتاب *الأغانی*^۱ و بدیع الزمان همدانی (م ۳۹۷ق) کتاب *مقامة الحمدانیة*^۲ را به سیف الدوله هدیه کردند و ابوالصلاح تقی حلبی (م ۴۴۷ق)، برخی از آثار خود مانند *التدبیر الصّحة* را در سایه حمایت‌های نصر بن صالح مرداسی (حک: ۴۲۰-۴۲۹ق)^۳ تألیف کرد.^۴ ابوعلی حسن بن احمد حلبی (م ۴۵۳ق) مشهور به ابن معلم، فقیه، متکلم، ادیب و شاعر بود که کتاب *التاجی* در فقه، کتاب *شرح المخلص* در اصول، و کتاب *معالم الدین* را در عصر بنی‌مرداس تألیف کرد.^۵ ابوالحسین حلبی (م ۵۹۶ق) کتاب *مناقب امام علی بن ابی‌طالب*^۶ و احمد بن صالح سبعی (م ۷۰۰ق) کتاب *التبصرة فی فضیلة العترة المطهرة*^۷ را درباره فضایل اهل بیت *علیهم السلام* نگاشتند. در سایه حمایت امیران بنی‌عمار، تألیفاتی مانند کتاب فقهی *البيستان* به نام قاضی امین الدوله عبدالله بن محمد (حسن) (م ۴۶۴ق) تألیف شد.^۸ حسین بن احمد بن قطان بغدادی (م ۴۲۰ق) در زمان حکومت بنی‌عمار کتاب *الشامل* را نوشت.^۹ همچنین، ابوالفتح محمد بن علی کراچکی (م ۴۴۹ق) کتاب *نهج البیان و عدة البصیر فی حج یوم الغدیر* را به نام احمد بن عمار^{۱۰} تألیف و تقدیم او کرد. وی همچنین،

۱. حموی، معجم الادباء، ج ۱۳، ص ۹۷.

۲. سامر، دولت حمدانیان، ص ۳۵۸.

۳. وی بعد از کشته‌شدن پدر، والی حلب شد و توانست شهر را از فاطمیان پس بگیرد و پس از این پیروزی، ابوکامل، شیبیل الدوله [شبل: بچه شیر هرگاه برای شکار توانا شود]، لقب گرفت و در سال ۴۲۹ق به دست سپاه فاطمیان کشته شد. (ابوالفداء، *تاریخ ابوالفداء*، ج ۲، ص ۱۴۱؛ زرکلی، *الاعلام*، ج ۸، ص ۲۴)

۴. ابن اثیر، *الکامل*، ج ۵، ص ۲۲۷ و ۲۳۴.

۵. ابن عدیم، *بغیة الطلب*، ج ۵، ص ۲۲۷۶؛ زکار، *اخبار قرامطه*، ص ۲۱۴ و ۲۰۳.

۶. زرکلی، *الاعلام*، ج ۸، ص ۱۴۱.

۷. ذهبی، *تاریخ الاسلام*، ج ۲۶، ص ۴۹۶؛ جعفریان، *اطلس شیعه*، ص ۴۸۴.

۸. آقابزرگ، *طبقات اعلام شیعه*، ج ۱، ص ۱۳۲.

۹. ابن حجر، *لسان المیزان*، ج ۲، ص ۲۶۷.

۱۰. آقا بزرگ، *طبقات الاعلام الشیعه*، ج ۱، ص ۱۳۲.

کتاب الرسالة العلویة فی فضل امیر المؤمنین علیه السلام علی سائر البریة را نگاشت. این کتاب، به التفضیل شهرت دارد.

یا افراد دیگر مانند ابن شهر آشوب (م ۵۸۸ق) که به سال ۵۷۳ق به حلب مهاجرت کرد و در آنجا تا آخر عمر ساکن شد؛ به طوری که عالمان اهل سنت در منطقه تحت تأثیر اخلاق و علم او قرار گرفتند.^۱

ارتباط دوسویه‌ای میان حاکمان شیعه و والیان مناطق با علمای شیعه، سبب نشر مذهب تشیع و استمرار و پویایی آن بود؛ چنان که عالمان شیعه برای احترام به حاکمان، گاهی آثار خود را به آنان تقدیم می‌کردند و از طرفی، حکام نیز از عالمان در مناصب عالی حکومتی استفاده می‌کردند.^۲

۲. نقش علما و دانشمندان در تمدن اسلامی

وجود علما و دانشمندان شیعه در مناطق شامات، سبب احیای و گسترش تمدن اسلامی شد. آنان نقش اساسی در ایجاد مراکز آموزشی، دارالعلم‌ها و کتابخانه‌ها در برخی از مناطق شامات داشته‌اند که به آنها پرداخته می‌شود.

۲-۱. مراکز آموزشی و علمی

* حوزه علمیه و مدارس

در دوره حمدانیان، زمینه و بسترسازی ایجاد حوزه علمیه حلب و گسترش آن از سوی دانشمندان شیعه فراهم شد و در دوره بنی‌مرداس، این حوزه به شکوفایی رسید و عالمان بسیاری را تربیت کرد^۳ که کتاب ابن‌ابی‌طی به نام الحاوی فی رجال الشیعة الامامیة به بسیاری از عالمان اشاره کرده است. ابوعلی طوسی (بعد از ۵۱۱ق) - فرزند شیخ طوسی (م

۱. ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص ۳۵

۲. زکار، اخبار قرامطه، ص ۲۱۶.

۳. واقفی، الشیعة فی کتاب بغیة الطلب، ص ۴۷.

۴۶۰ق) - و عده‌ای از شاگردان شیخ مفید (م ۴۱۳ق) و سید مرتضی (م ۴۳۶ق) در حلب، سبب شکوفایی این حوزه را رقم زدند و مکتب عقلی اساتید خود را گسترش دادند و دانشمندان بسیاری به آنجا رفت‌وآمد می‌کردند^۱ که می‌توان از ابومحمد حسن بن عبدالواحد عین زربی (م ۵۵۶ق) نام برد که سبب تحول در حوزه علمیه آنجا شد.^۲ ابوعلی حسن بن طاهر صوری (م ۵۸۵م) فقیه و متکلم شیعه در حلب، کتاب *قضاء حقوق المؤمنین* و *عیون الادلة* را تألیف کرد.^۳ سهروردی (م ۵۸۷ق)^۴ در نظر علمای اهل سنت شام، مردی بیگانه به شمار می‌رفت که مذهب شیعه داشت. وی در حلب ساکن شد و حاکمان ایوبی از او حمایت کردند؛ اما عالمان اهل سنت، علیه او توطئه نمودند و فتوا به قتلش دادند.^۵

دانشمندان شیعه با کمک حاکمان اقدام به ایجاد مدارس و مراکز علمی کردند که شکوفایی فرهنگ اصیل اسلامی (شیعی) را به دنبال داشت. ابوالریع بدرالدوله سلیمان بن عبدالجبار بن ارتق (حک: ۵۱۰-۵۲۲ق) از سوی عمویش ایلغازی بن ارتق، به عنوان والی حلب انتخاب شده بود. او مدرسه زجاجیه^۶ را در حلب به سال ۵۱۰ق بنا کرد و

۱. نصر الله، حلب و تشیع، ص ۸۹ - ۹۰.

۲. آقابزرگ، *الذریعة*، ج ۵، ص ۵۲.

۳. ابن عدیم، *بعیة الطلب*، ج ۵، ص ۲۴۵۸ - ۲۴۵۹.

۴. یحیی بن حبش بن امیر، ملقب به «ابوالفتوح» و مشهور به «شیخ اشراق» و «شیخ مقتول» است. وی از اکابر مشایخ و حکمای راسخ بوده است. فقه و اصول و حکمت را در مراغه که از شهرهای آذربایجان است، نزد شیخ مجدالدین جیلی تحصیل نموده، در علوم عربیّه و ادبیّه و در حکمت مشهور شد. مدتی در دمشق زندگی کرد و در حلب تألیفات بسیار داشت. (ابن کثیر، *البدایة والنهایة*، ج ۱۳، ص ۱۳۸ - ۱۴۳؛ زرکلی، *الاعلام*، ج ۵، ص ۲۳۳)

۵. سید حسین نصر، *مفسر عالم غربت*؛ شهید طریق معرفت شیخ اشراق شهاب‌الدین سهروردی، ص ۸ - ۱۹.

۶. دهخدا، *لغت‌نامه*، واژه «زجاجیه»: نام مدرسه‌ای در حلب است که ابوالریع سلیمان بنا کرده است. محمد کردعلی در *خطط الشام* (ج ۵، ص ۱۰۴ و ۱۰۵) گوید: مدرسه زجاجیه را بدرالدوله سلیمان بن عبدالجبار صاحب حلب و به قولی عبدالرحمن بن عجمی، برای اصحاب شافعی بنا کرده است؛ اما مردم حلب که بیشتر شیعی مذهب بودند، با ساختمان این مدرسه مخالف بودند و آنچه روزها از مدرسه مذکور ساخته می‌شد، شبانه مردم آن را ویران می‌ساختند. بالأخره، پس از چندی، مدرسه ساخته و تمام شد؛ اما اکنون از آن مدرسه اثری نیست.

در ساخت آن از مردم آنجا کمک گرفت.^۱ ابن عدیم (م ۶۶۰ق) در کتاب خود به برخی از این مدارس و اساتید آن اشاره دارد.^۲ ابن خالویه (م ۳۷۰ق)^۳ در دربار، عهده‌دار تعلیم و تربیت وابستگان حکومت بود.^۴ از طرفی، حاکمان شیعه نیز بیگانه از علم و معارف شیعه نبوده، چنان که سیف الدوله در مجالسی که برپا می‌کرد، مسئله‌ای علمی را مطرح می‌نمود و جایزه می‌داد. ابن عدیم، علاوه بر تدریس، سرپرستی برخی مدارس حلب را برعهده داشت.^۵ وی از مبارزه‌کنندگان سرسخت با اندیشه‌های انحرافی در تشیع و اسلام بود؛ چنان که کتابی با عنوان *سوق الفاضل فی ترجمة الفاضل* در ردّ اسماعیلیه نگاشت و نگارش این کتاب، سبب هجرت او به قاهره شد.^۶

* ایجاد دارالعلم

دارالعلم‌ها از مراکزی آموزشی بودند که فعالیت‌های علمی داشتند. در زمان والیان بنی‌عمار، دارالعلم‌ها عقاید امامیه را در نقاط ساحلی شام و جنوب لبنان ترویج کردند.^۷ برخی از آنان، خود دانشمند و دانش‌دوست بودند و عالمان را از دور و نزدیک به طرابلس

۱. طباطبائی، *اعلام النبلاء* ج ۱، ص ۳۹۲؛ هاشم عثمان، *تاریخ شیعه در شام*، ص ۳۸.

۲. ابن عدیم، *زبدة الحلب*، ج ۱، ص ۱۷.

۳. نام وی، حسین بن احمد بن خالویه، مکنی به ابو عبدالله نحوی، لغوی، ادیب، شاعر و شاگرد ابن‌درید بود. وی از اهالی همدان ایران بود که مذهب شیعی داشت. ابن خالویه، در سال ۳۱۴ق در بغداد رشد کرد و در همانجا به کسب تحصیل علوم مختلف پرداخت و از بزرگان اهل علم در هر علمی بهره برد. سپس، از آنجا به شام و پس از مدتی به حلب آمد و در آنجا ساکن شد. شهرت علمی او، در همه علوم سرآمد روزگار خود گشت؛ به طوری که علمای شهرها دیگر، به حلب کوچ می‌کردند تا از او بهره علمی ببرند. وی تألیفاتی داشته است. او در سال ۳۷۰ق در حلب درگذشت و در همانجا به خاک سپرده شد. (نجاشی، *رجال*، ص

۶۸؛ ابن صباغ، *الفصول المهمة*، ج ۱، ص ۳۴؛ اصفهانی، *دستور الوزارة*، ص ۱۸۷ و ۱۸۸)

۴. طوسی، *الفهرست*، ص ۸۶.

۵. ابن عدیم، *زبدة الحلب*، ج ۱، ص ۱۷.

۶. طوسی، *الفهرست*، ص ۱۸ - ۱۹.

۷. سامر، *دولت حمدانیان*، ص ۱۸ - ۱۹، ۶۷ و ۳۵۷.

دعوت می‌کردند و با برگزاری مناظرات و مجالس ادبی و فقهی،^۱ شور و نشاط علمی ایجاد می‌کردند. نخستین دارالعلم در زمان دولت بنی‌عمار، از سوی امین الدوله ابوطالب عبدالله بن محمد (حسن) (حک: ۴۶۲-۴۶۴ق) که فقیه بزرگ شیعه و قاضی طرابلس بود، تأسیس شد^۲ و آنجا محفل نشر علم و ادب گشت؛^۳ به طوری که بیش از یکصد هزار کتاب به صورت وقفی در آنجا جمع‌آوری کرد^۴ و خرج و مخارج دارالعلم را از طریق موقوفات تأمین می‌کرد. دولت بنی‌عمار برای طلاب و استاتید آنجا حقوقی در نظر گرفته بود و در برخی از اعیاد، میان اساتید سکه طلا هدیه می‌داد.^۵ در دارالعلم طرابلس، کتاب‌های لاتین، فارسی و عربی وجود داشت که برای تبادل این کتاب‌ها، به شهرهایی مانند: قاهره، دمشق و بغداد فرستاده می‌شدند.^۶ اقدامات امین الدوله، موجبات جهش علمی، نشاط و پویایی در طرابلس را در پی داشت.

در دارالعلم‌ها بسیاری از علما، شاعران و ادیبان مانند: حسین بن بشر طرابلسی (قبل از ۴۴۹ق) قاضی، رئیس دارالعلم طرابلس و خطیبی توانا بود که حتی در مناظره‌ای بر خطیب بغدادی غلبه کرد. از تألیفات او، کتاب *حُطَب* است.^۷ در عصر فاطمیان، در شام و قدس، دارالعلم‌هایی ایجاد شد^۸ و دانشمندان از مناطق مختلف به این دارالعلم‌ها رفت‌وآمد می‌کردند^۹ که تأثیرات شگرفی در شامات داشت و همین سبب شد تا از اختلافات

۱. قفطی، *انباه الرواة علی انباه النحاة*، ص ۱۰۵.

۲. ابن فرات، *تاریخ*، ج ۸، ص ۷۷؛ ابن شداد، *الاعلاق الخطیرة*، ص ۱۰۷.

۳. کردعلی، *خطط الشام*، ج ۴، ص ۳۳.

۴. ابن فرات، *تاریخ*، ج ۸، ص ۷۷.

۵. تدمری، *حیة النقا فیه فی طرابلس الشام خلال العصور*، ص ۴۷ - ۵۰.

۶. رحمت‌آبادی، *تمدن اسلامی در سرزمین شام*، ص ۲۱۰.

۷. ابن حجر، *لسان المیزان*، ج ۲، ص ۲۷۵.

۸. خلیفه، *الکتب والمکتبات فی العصور*، ص ۳۰۲.

۹. طرابلسی، *تشیع فی طرابلس وبلاد الشام*، ص ۱۳۸.

مسلمانان کاسته گردد تا باعث تعامل و هم‌زیستی آنان شود. در زمان بنی‌عمار جلال‌الدین ملک، برخی از تألیفات ابوالعلا مَعْرَى (م ۴۴۹ق) را وقف دارالعلم طرابلس کرد.^۱ آنان اموال بسیاری را صرف این دارالعلم‌ها کردند؛ حتی اداره و سرپرستی این مراکز را بر عهده دانشمندان گذاشتند؛ به عنوان نمونه، اسعدبن‌احمد ابوالفضل طرابلسی (م ۵۲۰ق) امر قضاوت و سرپرستی دارالعلم طرابلس را پس از ابن‌براج بر عهده گرفت.^۲ این موارد، نشانه توجه دانشمندان به تمدن اسلامی است

* ایجاد کتابخانه

در کتابخانه‌ها بیشتر کتاب‌های فرق مذاهب، فقهی، تاریخی، کلامی، ادبی، پزشکی و غیره وجود داشت و طالبان علم به این کتابخانه‌ها مراجعه می‌کردند. احمدبن‌فرات (م ۴۹۴ق)^۳ و علی‌بن‌طاهر^۴ (م ۵۰۰ق)، کتاب‌های بسیاری را وقف مسجد جامع اموی شام کردند؛ به گونه‌ای که خود علی‌بن‌طاهر افزون بر کرسی تدریس در مسجد اموی، کتابخانه‌ای را در آنجا تأسیس کرد.^۵

در عصر حمدانیان، چندین کتابخانه در حلب تأسیس شد که هزاران کتاب و کتاب‌های کمیاب،^۶ در برخی از کتابخانه‌های حلب گردآوری شد.^۷ دیگر آنکه از کتابخانه‌ها برای برگزاری اجتماعات دینی استفاده می‌کردند.^۸ ثابت‌بن‌اسلم‌بن‌عبدالوهاب حلبی (م ۴۶۰ق) شاگرد ابوالصلاح، مسئولیت کتابخانه حلب را بر عهده داشت و اسماعیلیان وی را به سبب

۱. ابن‌عَدِیم، الانصاف والتحریر، ص ۵۰.

۲. جعفریان، اطلس شیعه، ص ۵۰۴.

۳. مکی، تاریخ کتابخانه‌های مساجد، ص ۱۱۳.

۴. صفدی، الوافی بالوفیات، ج ۲۱، ص ۱۰۴.

۵. قفطی، نباه الرواة، ج ۲، ص ۲۸۳.

۶. خلیفه، کتب والمکتبات فی عصور الوسطی، ص ۳۲۱.

۷. نیکلسون، تاریخ ادبیات عرب، ص ۲۸۴ - ۲۸۵.

۸. همان، ص ۳۲۱.

نوشتن کتابی در ذکر نقاط ضعف مذهب اسماعیلیه، به شهادت رساندند؛^۱ حتی پس از کشتن او، کتابخانه ارزشمندش را آتش زدند که بیشتر این کتاب‌ها، در دوران حمدانیان به کتابخانه اهدا شده بود.^۲

حاکمیت بنی‌عمار و نفوذ فاطمیان در طرابلس، سبب ایجاد کتابخانه‌هایی در آن مناطق شد؛ زیرا آنان علاقه‌ای به جمع‌آوری کتاب‌های نفیس داشتند و همین امر، سبب رشد و تعالی علم و فرهنگ شد. بنی‌عمار، وکیلانی را به شهرهای مختلف می‌فرستادند تا کتاب‌های نفیس و کمیاب را جمع‌آوری کنند^۳ که گاهی مجموع کتاب‌های آنها، به سه میلیون جلد می‌رسید.^۴ گفته‌اند که ابوالعلا معری (م ۴۴۹ق)^۵ در جریان دیدارش با عبدالسلام بصری (م ۴۰۵ق)^۶ سرپرست دارالعلم بغداد، از او فهرست کتابخانه بغداد را خواست و متوجه شد همه کتاب‌های موجود در بغداد، در کتابخانه طرابلس موجود است.^۷ کتاب‌هایی که در کتابخانه طرابلس وجود داشت، به سبب حجم و وسعت، قابل شمارش نبود.^۸ فاطمیان، دارالعلمی در بیت‌المقدس در کلیسای قمامه تأسیس کردند که بعدها به

۱. ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۳۰، ص ۴۹۹.

۲. همان؛ نصرالله، شیعه و حلب، ص ۹۷.

۳. هاشم عثمان، تاریخ شیعه در شام، ص ۸۰.

۴. محمد عمرو، صفحات مئة ماضی الشیعة، ص ۲۴۸.

۵. ابوالعلا یا ابوالعلی معری احمدبن عبدالله بن سلیمان قضاعی تنوخی معری (۳۶۳-۴۴۹ق)، شاعر و فیلسوف بزرگ و نابینای عرب، در شهر معره نعمان در نزدیکی شهر حلب به دنیا آمد و در سال ۴۴۹ق در همین شهر درگذشت. (سرکیس، معجم المطبوعات العربیة، ج ۱، ص ۳۲۶ و ۳۲۷)

۶. عبدالسلام بن الحسین بن محمد ابواحمد بصری (۳۲۹-۴۰۵ق) لغوی، صدایی دلنشین داشت. وی مورد اعتماد، عالمی ادیب، قاری قرآن و آگاه به قرائات مختلف بود. او سرپرستی کتابخانه بغداد را بر عهده داشت؛ به طوری که اشراف و آگاهی کامل از کتاب‌های موجود در آن داشت. (خطیب بغدادی، تاریخ بغداد،

ج ۱۱، ص ۵۸)

۷. قفطی، انباه الرواة، ص ۸۵.

۸. ابن اثیر، الکامل، ج ۱۰، ص ۴۷۶ (حوادث سال ۵۰۳ق).

«کتابخانه بیت المقدس» شهرت یافت^۱ و در آن، مجموعه‌ای از کتاب‌های فلسفی و کلامی قرار داشت که در اختیار طالبان علم بود.^۲

* احیای فرایض دینی

دانشمندان شیعه برای تبیین مسائل و واجبات دینی برای مردم، نهایت تلاش را داشتند که گاهی اوقات، با سیاست‌های ضد شیعی مواجه می‌شدند و به‌ناچار برخی از کارها را انجام نمی‌دادند؛ به طور مثال، وقتی زنگیان قدرت گرفتند، نورالدین زنگی (۵۴۱-۵۶۹ق) آزادی شیعیان را در حلب محدود کرد^۳ و مؤذنان را از گفتن «حی علی خیر العمل» منع نمود؛^۴ اما دانشمندان شیعه به جهت تبلیغات ضد شیعی، هجرت کردند و کتاب‌هایی مناسب با نیاز شیعیان نوشتند؛ مانند: ابوالفتح محمد بن علی کراچی (م ۴۴۹ق) که به صیدا و صور سفر نمود و کتابی تألیف کرد.^۵ ابویعلی سلار دیلمی (م ۴۶۳ق) فقیه، شاگرد شیخ مفید و سید مرتضی بود^۶ که به عنوان نماینده سید مرتضی، به حلب آمد و پاسخ‌گویی مسائل شرعی شیعیان را بر عهده داشت.^۷

۲-۲. تاریخ‌نگاری

برخی از عالمان شیعی، توجه اساسی به فرهنگ و آثار مؤلفان شیعه داشتند و به تألیف کتاب‌هایی در زمینه: کلام، تفسیر، حدیث و نظایر اینها پرداختند که می‌توان به برخی از آنها اشاره کرد. ابن عدیم (م ۶۶۰ق)، از مؤرخان برجسته‌ای است از جمله کتاب‌های او زبده

۱. جهنی، مکاتبات الاسلامیه و اثرها فی التعلیم، ج ۲، ص ۳۰۲.

۲. سانتالانا، مذهب اليونانیة الفلسفیه فی العالم الاسلامی، ص ۱۷۰.

۳. ابن عدیم، زبده الحلب، ج ۲، ص ۴۷۵ - ۴۷۶.

۴. ابن قلاسی، ذیل تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۴۶۸.

۵. حنبلی، شذرات الذهب، ج ۳، ص ۲۸۳؛ صفدی، الوافی بالوفیات، ج ۴، ص ۶۹؛ همان، ج ۳، ص ۲۸۳.

۶. آقابزرگ، طبقات اعلام الشیعه، ج ۵، ص ۸۶.

۷. امین، اعیان الشیعه، ج ۷، ص ۱۷۰؛ نصرالله، حلب و تشیع، ص ۹۰ - ۹۲.

الحلب فی تاریخ الحلب^۱ که به تعدادی از دانشمندان شیعه و تألیفات آنان اشاره کرده است.^۲ کتاب دیگر ابن عدیم، به نام *سوق الفاضل فی ترجمة القاضي الفاضل* است. اسعد بن ابی روح ابوالفضل (۵۴۸ق)، از قضات شیعه عصر بنی عمار،^۳ تألیفاتی داشت که در آن، به مؤرخان و بزرگان امامیه در حلب اشاره کرده است.^۴ ابن ابی طی یحیی (م ۳۰۰ق) مؤرخ، ادیب و فقیه بود که ذکر آن گذشت و تألیفات وی، از جمله: *الحوای فی رجال الشیعة (طبقات الشیعة)*، *مناقب الائمة الاثنی عشر*، *اخبار شعراء الشیعة*،^۵ *تاریخ مصر* و کتاب *تاریخ ابن ابی طی* که بر اساس سال حوادث، نوشته است.^۶

۳. معرفی برخی از علما و دانشمندان شیعی

حضور دانشمندان شیعه در شام، نقش اساسی در اعتلای فرهنگ و تمدن اسلامی داشت؛ زیرا شکل‌گیری مراکز آموزشی و علمی، ایجاد کتابخانه‌ها و دارالعلم‌ها در شام، به واسطه حضور دانشمندان و عالمان برجسته بوده است که گاهی با مرگ آنان یا جابه‌جایی هریک از آنها از شهری به شهر دیگر، آن مراکز دیگر قدرت معنوی گذشته خود را نداشته و کم‌کم از بین رفته‌اند. از سویی، وجود دانشمندان شیعه تا قرن هفتم در این مناطق، فرصت دیگری می‌طلبد تا به طور کامل، به شرح حال هر کدام از ایشان پرداخته شود و در اینجا شرح حال برخی از این بزرگان و خدماتی که در اعتلای فرهنگ اسلامی داشته‌اند، به اختصار آورده می‌شود.

۱. این کتاب، منتخبی از کتاب *بغیة الطلب فی تاریخ الحلب* ابن عدیم است.

۲. حسین واثقی، گزیده‌ای از کتاب *بغیة الطلب* را با عنوان *الشیعة فی کتاب بغیة الطلب فی تاریخ حلب* ابن عدیم (۵۸۸-۶۶۰ق) آورده و انتشارات دلیل ما در قم به سال ۱۳۸۴ش، آن را چاپ کرده است.

۳. ابن حجر عسقلانی، *لسان المیزان*، ج ۱، ص ۳۸۶.

۴. ابن عدیم، *زیده الحلب*، ج ۱، ص ۱۵.

۵. کتبی، *فوات الوقیات*، ج ۲، ص ۵۹۶؛ زرکلی، *الاعلام*، ج ۸، ص ۱۴۴؛ سبحانی، *موسوعة طبقات الفقهاء*، ص ۲۹۸.

۶. حلبی، *کشف الطنون*، ج ۱، ص ۳۰۴ و ۲۷۷.

۳-۱. دانشمندان و عالمان حلب

وجود دانشمندان و علمای شیعه در حلب، سبب نشر فرهنگ اصیل اسلامی شد؛ به خصوص دانشمندانی از خاندان بنی زهره^۱ که فعالیت چشمگیر و نقش آفرینی در زمینه فرهنگ اهل بیت علیهم السلام داشته‌اند؛^۲ از جمله آنان، ابوالصلاح حلبی (م ۴۴۷ق) فقیه، محدث و متکلم بود که بارها نزد سید مرتضی و شیخ طوسی به بغداد آمد و از آن دو، بهره علمی برد^۳ و پس از مدتی، به حلب بازگشت و در حوزه علمیه به تدریس پرداخت^۴ و آثاری از جمله *الکافی فی الفقه و البدایة فی الفقه* را تألیف کرد.^۵

* ابو جعفر محمد بن علی بن ابی شعبه حلبی (م قرن دوم)، راوی امام باقر و صادق علیهم السلام بود^۶ و دو کتاب به نام‌های *التفسیر و کتاب فی الحلال والحرام* داشت.^۷ عبیدالله بن علی بن ابی شعبه حلبی (م قبل از ۱۴۸ق)، برادرزاده وی، از روایان امام صادق علیه السلام بود^۸ و کتاب *الجامع* در فقه را تدوین کرد که مورد تأیید امام ششم علیه السلام قرار گرفت.^۹ وی، تألیفات دیگری نیز داشت.

۱. نسب این دودمان، به زهره بن علی بن محمد بن محمد بن احمد بن محمد بن حسین بن اسحاق بن جعفر الصادق علیه السلام می‌رسد. (ابن زهره حلبی، *غنیة النزوع*، ص ۱۳) از جمله این خاندان، حمزه بن علی (سید بن زهره)، علی بن زهره، حسن بن زهره، عبدالله بن زهره، علی بن عبدالله بن زهره و فرزندان آنان که هر کدام در زمان خود از دانشمندان برجسته عصر خویش به شمار می‌رفتند.

۲. مظفر، *تاریخ شیعه*، ص ۲۲۷.

۳. ذهبی، *تاریخ الاسلام*، ج ۳۰، ص ۱۴۳؛ حرّ عاملی، *امل الامل*، ج ۲، ص ۴۶.

۴. امین، *اعیان الشیعه*، ج ۳، ص ۶۳۴ - ۶۳۵.

۵. ابن شهر آشوب، *معالم العلماء*، ص ۶۵.

۶. نجاشی، *رجال*، ص ۳۲۵.

۷. همان.

۸. جعفریان، *اطلس شیعه*، ص ۴۸۳.

۹. طوسی، *الفهرست*، ص ۱۷۴.

* فارابی (م ۳۳۴ق)، از فیلسوفان است که تألیفاتی دارد و برخی او را شیعه دانسته‌اند.^۱ وی به دعوت سیف‌الدوله به حلب آمد و مورد احترام او قرار گرفت؛ حتی وصیت کرد که حاکم بر او نماز بخواند.^۲

* ابوعبدالله محمد بن ابراهیم نعمانی (م ۳۶۰ق) متکلم، مفسر و محدث بود که برای تعلیم حدیث به شیراز، قم و بغداد رفت و نزد بزرگانی از جمله کلینی حدیث آموخت. سپس، به حلب رفت و به نشر حدیث و معارف شیعه پرداخت^۳ و کتاب *التعیبه* را برای پاسخ به شبهات آنان تألیف کرد.^۴

* حسین بن احمد خالویه (م ۳۷۰ق)، ادیب و شارح دیوان ابوفراس بود که در خدمت حمدانیان و مورد حمایت آنان قرار گرفت. وی در حلب مناظره‌هایی با احمد بن حسین کوفی معروف به متنبی (م ۳۵۴ق)^۵ و ابوعلی نحوی فارسی حسن بن احمد (م ۳۷۷ق) داشت.^۶ وی تألیفاتی دارد؛ از جمله، کتاب *الآل* که در ذکر امامت علی ع و ائمه اطهار ع است.^۷

* ابومحمد حسن بن احمد سبیبی (م ۳۷۱ق)، جهانگرد و رجالی بزرگ شیعه بود که برای شنیدن روایات به شهرها مسافرت کرد و کتاب *التبصرة فی فضیلة العترة المطهرة* را

۱. امین، *اعیان الشیعة*، ج ۱، ص ۱۵۹؛ آقابزرگ، *الذریعة*، ج ۱، ص ۳۷۶.
۲. ابن ابی اصیبه، *عیون الانباء*، ص ۶۰۳.
۳. خورمیری، شیعه در قرن چهارم هجری، ص ۷۹ - ۸۰.
۴. ابن ابی زینب، *التعیبه*، ص ۱۷.
۵. وی، مکنی به ابوطیب، شاعر و ادیب برجسته عصر عباسی بود. او مدتی در خدمت سیف‌الدوله بود؛ حتی نزد عضدالدوله دیلمی رفت و برای آنان شعر سرود و صله دریافت کرد.
۶. امین، *اعیان الشیعة*، ج ۵، ص ۴۲. وی کتاب *ایضاح* و *تکمله* را که هر دو در علم نحو است، به نام عضدالدوله دیلمی نوشت و به وی تقدیم کرد.
۷. آقابزرگ، *الذریعة*، ج ۱، ص ۲۷.

نوشت. ^۱ درباره وی گفته‌اند اگر برای اهالی حلب فقیهی نباشد، وجود سبیبی کافی است. ^۲ وی در پاسخ به سؤالات دینی مردم حلب، کتاب *مسائل الحلبیة* را نوشت. ^۳ سیف الدوله او را احترام کرد و به خانه‌اش رفت. ^۴ به گفته مردم، سبیبی، حمای را که در بازار حلب بود، وقف علویان کرده بود. ^۵

* سید ابوالمکارم ابن زهره موسوی (۵۸۵م)، از بزرگان شیعه، فقیه، متکلم و نقیب سادات در حلب بود. وی تألیفات بسیاری از جمله *قبس الانوار فی نصره العترة الاخیار و غنیة النزوع* دارد. ^۶ برخی بزرگان، کتاب فقهی او، یعنی *غنیة النزوع* را ستایش کرده‌اند ^۷ و برخی در نقل حدیث، وی را با لقب «ثقة الرضا» یاد کرده‌اند. ^۸ از خاندان بنی زهره، دانشمندان بزرگی پای به عرصه ظهور گذاشتند و نقش اساسی در گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی، به خصوص تشیع داشتند.

* یحیی بن حمیده، معروف به ابن ابی طی (م ۳۰۶ق)، ادیب، فقیه و مؤرخ بود که ذکر آن گذشت. وی افزون بر کتاب *تاریخ امامیه (تاریخ طبقات الرجال الامامیه)*، ^۹ کتاب‌های دیگری مانند *معادن الذهب فی تاریخ حلب* ^{۱۰} و *المنتخب فی شرح لامیه العرب*، ^{۱۱} از اوست.

۱. ذهبی، *تاریخ الاسلام*، ج ۲۶، ص ۴۹۵.

۲. نصرالله، *حلب و تشیع*، ص ۵۴؛ امین، *اعیان الشیعة*، ج ۵، ص ۶.

۳. ابن عدیم، *بغیة الطلب*، ص ۲۲۵۸.

۴. جعفریان، *اطلس شیعه*، ص ۴۸۴.

۵. ذهبی، *تاریخ الاسلام*، ج ۲۶، ص ۴۹۵.

۶. ابن شهر آشوب، *معالم العلماء*، ص ۴۶ و ۳۰۳.

۷. حلی، *ایضاح الاشتباه*، ص ۱۶۸ و ۱۶۹.

۸. جعفریان، *اطلس شیعه*، ص ۴۸۴.

۹. ابن حجر، *لسان المیزان*، ج ۸، ص ۱۹۲.

۱۰. ابن عدیم، *زیده الحلب*، ج ۱، ص ۱۵.

۱۱. ذهبی، *سیر اعلام*، ج ۸، ص ۱۴۴.

۳-۲. علمای جبل عامل

جبل عامل، به دلیل وجود شیعیان صحابی، سبب شد تا در هر عصری محدث، فقیه، ادیب، شاعر، حکیم، طبیب و... پرورش دهد.^۱ مهاجرت دانشمندان از حلب و طرابلس به جبل عامل، نقش تأثیرگذاری در گسترش شیعه داشته است. حرّ عاملی در کتاب *امل الآمل* به معرفی عالمان شیعه پرداخته است که به ذکر چند نفر به اجمال بسنده می‌شود.

* اسماعیل بن حسین عودی عاملی جزینی (۵۸۰ق)، معروف به شهاب‌الدین شرف‌الدین بود. وی فردی فاضل، عالم، شاعر و ادیب بود؛^۲ در عین حال، در علم و فضل انسانی خاضع بود. وی به عراق رفت و از علمای حله بهره علمی برد و سپس، به زادگاه خود، جزین^۳ بازگشت و به همین سبب، به او نسبت جزینی داده‌اند. وی سپس، در جبل عامل [لبنان] درگذشت.^۴

* ابوالرضا احمد بن طارق کرکی (۵۹۲م) که جدش قاضی شهر کرک^۵ بوده است. وی، نخستین عالم شناخته‌شده این منطقه است که در حدیث ثقه و تاجری ثروتمند بود^۶ و مسافرت‌هایی به دمشق و مصر داشت.^۸

۱. داود جابر، *حلقة الضائقة من تاریخ جبل عامل*، ص ۱۱.

۲. حرّ عاملی، *امل الآمل*، ج ۱، ص ۴۱.

۳. جزین، شهری در استان جنوبی لبنان است.

۴. امین، *اعیان الشیعة*، ج ۳، ص ۳۱۹.

۵. کرک، کلمه‌ای سریانی از ریشه «کرکو»، به معنای قلعه است. اسم قلعه و شهری در نواحی شام است. کرک نوح نیز گفته‌اند؛ به این جهت که مردم گمان می‌کردند قبر نوح در آنجاست. (حموی، *معجم البلدان*، ج ۴، ص ۴۵۳)

۶. ذهبی، *سیر اعلام*، ج ۲۱، ص ۲۷۰.

۷. حموی، *معجم البلدان*، ج ۴، ص ۴۵۲.

۸. امین، *اعیان الشیعة*، ج ۲، ص ۶۱۸.

ابوالقاسم بن حسین بن عود اسدی (۶۷۶م)، فقیه بزرگ شیعه به جبل عامل آمد و در همانجا درگذشت.^۱ ابن عودی، دارای تألیفاتی از جمله کتاب *ارجوزة فی شرح الیاقوت فی الکلام* است.^۲

۳-۳. علمای سایر بلاد شامات

* حسین بن احمد بن قطان بغدادی (م ۴۲۰ق)، فقیه بود که در زمان حکومت بنی‌عمار به حلب آمد و در مسجد جامع شهر به تدریس پرداخت و بعد از مدتی، به طرابلس رفت.^۳ از تألیفات وی، می‌توان به کتاب *الشامل* اشاره کرد.

* احمد بن منیر ابو حسیین طرابلسی، معروف به رفاء (م ۴۷۳ق)، شاعر، حافظ قرآن و ادیب بود^۴ که مخالفان به سب اعتقادش به امامیه، او را نکوهش کرده‌اند.^۵

* عبدالعزیز بن نحریر بن عبدالعزیز بن براج، معروف به ابن براج طرابلسی (م ۴۸۱ق)، فقیه، قاضی طرابلس^۶ و شاگرد سید مرتضی و شیخ طوسی بود که کتاب‌هایی در زمینه‌های مختلف، از جمله *المهذب فی الفقه* و کتاب *الجواهر المعالم* نوشت؛^۷ حتی وی به خواست شیخ طوسی به طرابلس رفت و بیست یا سی سال، قاضی آنجا بود^۸ و به حل مشکلات مردم آن ناحیه پرداخت.

۱. مهاجر، *جبل عامل از شهید اول تا شهید ثانی*، ص ۹۰.

۲. همان، ص ۹۲؛ حرّ عاملی، *امل الآمل*، ج ۱، ص ۴۱.

۳. ابن حجر، *لسان المیزان*، ج ۲، ص ۲۶۷.

۴. ابن عدیم، *بغیة الطلب*، ج ۳، ص ۱۱۵۴ - ۱۱۶۵.

۵. ابن تغری، *النجوم الزاهرة*، ج ۵، ص ۲۹۹.

۶. منتجب‌الدین، *الفهرست*، ص ۷۵. ابن براج در مصر به دنیا آمد و در همانجا بزرگ شد و به کسب علم پرداخت. سپس، به بغداد رفت و از بزرگان علمی آنجا بهره برد و به تألیف در زمینه‌های مختلف پرداخت که نشانگر اطلاعات و معلومات فراوان اوست. وی در طرابلس شام به مدت طولانی به قضاوت پرداخت.

به همین جهت، به طرابلسی شهرت یافت. (افندی، *تعلیقة امل الآمل*، ص ۱۷۳)

۷. ابن شهر آشوب، *معالم العلماء*، ص ۱۱۶.

۸. بحر العلوم، *الفوائد الرجالية*، ج ۳، ص ۶۲؛ علیاری، *بهجة الآمال*، ج ۵، ص ۱۶۸.

* اسعد بن احمد بن ابی روح (م ۵۲۰ق)، از شاگردان ابن البراج بود که کرسی تدریس داشت و جانشین ابن براج شد^۱ و مانند استادش در شام، از جمله فلسطین و طرابلس، صاحب نفوذ بود و مدتی نیز از طرف ابن عمار قاضی طرابلس بود.^۲ وی تا زمان تصرف صلیبیان، در طرابلس قاضی بود؛ اما با هجوم صلیبیان، به سال ۴۹۴ق به حیفا رفت و خانه‌ای برای خود تهیه کرد و بیش از چهار هزار کتاب برای خود جمع‌آوری کرد.^۳ ذهبی او را «رأس الرفض بالشام» دانسته و می‌گوید که در صیدا ساکن شد، تا آنکه صلیبیان آنجا را تصرف کردند و او را به قتل رساندند.^۴ برخی گفته‌اند که او در حیفا کشته شده یا در دمشق درگذشته است.^۵ از این رو، در زمان مرگ و محل درگذشت او، اختلاف است. وی، دارای تألیفات بسیاری است؛ از جمله: *عیون ادلة فی معرفة الله و البیان فی خلافة الامامیة*، و در تفاوت فقه شافعی و امامیه کتاب *التبصرة فی معرفة المذهبین الشافعیة و الامامیة، البیان فی خلافة الامامیة*^۶ و *موسوعة علماء المسلمین فی تاریخ لبنان الاسلامی*.^۷

* احمد بن یوسف بن ایوب بن شاذبن سروان (م ۶۸۴ق)، سنی‌مذهب بود و به تشیع گرایش پیدا کرد. او پیش از مرگش وصیت کرد که در رقه، کنار قبر عمار بن یاسر دفن شود. این وصیت، نشان از عنایت او و شیعه، به دفن مردگان خود نزد بارگاه و مضجع شریف ائمه اطهار علیهم‌السلام و اصحاب آنان و دانشمندان دارد.^۸

۱. صفدی، *الوافی بالوفیات*، ج ۹، ص ۲۵.

۲. ابن حجر، *لسان المیزان*، ج ۱، ص ۳۸۶.

۳. هاشم عثمان، *تاریخ شیعه در شام*، ص ۸۲.

۴. ذهبی، *سیر اعلام النبلاء*، ج ۱۹، ص ۴۹۹.

۵. ابن حجر، *لسان المیزان*، ج ۱، ص ۳۸۶.

۶. همان.

۷. ذهبی، *تاریخ الاسلام*، ج ۳۰، ص ۳۹۴.

۸. ابن عدیم، *بغیة الطلب*، ص ۱۴۵.

* نجیب‌الدین ابوالقاسم بن حسین بن عود حلبی (م ۶۵۸ق)، از فقیهان بزرگ شیعه بود که در حلب زندگی می‌کرد^۱ و به سبب اختلاف با یونینی (م ۷۲۴ق)^۲ از آنجا اخراج شد^۳ و به جزین آمد و در همانجا درگذشت.

با توجه به آنچه در شرح حال برخی از دانشمندان گذشت، آنان با تألیف کتاب، ضمن رواج فرهنگ اصیل اسلامی، بر حفظ و استمرار آن در شامات کوشیدند.

نتیجه

با توجه به شواهد و آثار برجای مانده تاریخی از دوره زمانی مذکور، به دو علت، یکی وجود صحابی خاص رسول اکرم ﷺ در این منطقه، و دیگر آنکه استفاده عالمان شیعه از فرصت به دست آمده در حکومت‌های شیعی، سبب شد علاوه بر گسترش تفکر شیعی به عنوان تفکر اصیل اسلامی در منطقه شامات، تمدن شامات هم تحت تأثیر شیعه قرار گیرد. وجود فقیهان، متکلمان و ادیبان شیعه موجب رشد و اعتلای اندیشه اسلامی گردید و به تبع آن، شکل‌گیری مراکز آموزشی و علمی را در برداشت؛ چنان‌که فارابی، اندیشمند شیعی، با تفکرات و تعلقات منطقی و فلسفی خود، نقطه عطفی در علوم عقلی اسلامی شد و به تبع آن، دارالعلم‌هایی برای تدریس تفکرات فلسفی بنا شد. این مراکز، افزون بر آموزش و تربیت شاگردان، پاسخ‌گوی نیازهای جامعه بودند. در کنار مراکز علمی، ایجاد کتابخانه‌هایی که محل گردآوری میراث فرهنگی مسلمانان بود، از نمودهای تأثیر تفکر شیعی بر تمدن اسلامی است؛ به طوری که کتاب‌های نایاب از مناطق و مذاهب مختلف خریداری و به این کتابخانه‌ها اهدا می‌شد.

۱. مهاجر، جبل عامل از شهید اول تا شهید ثانی، ص ۱۱۰.

۲. یونین (ضم الیاء و کسر النون الأولى)، دهی از نواحی بعلبک است که وی در آن به دنیا آمد و در همانجا نیز درگذشت. او، فقیه و شاعر عصر خود بود.

۳. یونینی، ذیل مرآة الزمان، ج ۳، ص ۲۷۴.

منابع

۱. آشوری داریوش، تعریفها و مفهوم فرهنگ با تهران، طهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا، ۱۳۷۵ش.
۲. آقابزرگ طهرانی، طبقات اعلام الشيعة، بيروت: دار الكتب العربي، ۱۳۹۱ش.
۳. —، الذريعة الى تصانيف الشيعة، بيروت: دار الاضواء، سوم، [بی تا].
۴. ابن ابی صبیحه، عيون الانباء في طبقات الاطباء، بيروت: دار المكتبة الحیاة، ۱۹۶۵م.
۵. ابن اثیر، ابوالحسن علی، الكامل فی تاریخ، بيروت: ناشر دار صادر، ۱۳۸۶ش / ۱۹۶۶م.
۶. ابن براج، عبدالعزیز، المهذب، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۰۶ق.
۷. ابن تغری بردی، ابوالمحاسن یوسف، النجوم الزاهرة فی ملوک مصر والقاهرة، وزارة الثقافة والارشاد القومي، [بی جا]، ۱۳۵۱ق.
۸. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن، المنتظم فی تاریخ الامم والملوک، بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۱۲ق.
۹. ابن حجر، احمد بن علی، لسان المیزان، تحقیق: دائرة المعارف النظامية الهند، بيروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۶ق.
۱۰. —، الدرر الكامنة فی اعیان مئة الثمانية، [بی جا]: [بی نا]، [بی تا]، مكتبة الشاملة.
۱۱. ابن زهرة حلبی حمزة بن علی بن زهرة، غنية النزوع إلى علمی الأصول والفروع، تحقیق: الشيخ إبراهيم البهادری / إشراف: جعفر السبحانی، قم: مؤسسة الإمام الصادق عليه السلام، چاپخانه اعتماد، الأولى، ۱۴۱۷ق.
۱۲. ابن شداد، محمد، الاعلاق الخطيرة فی ذکر امراء الشام والجزيرة، تحقیق: سامی الدهان، دمشق: معهد الفرنسي للدراسات العربية، ۱۳۸۲ق.
۱۳. ابن الصباغ مالکی، الفصول المهمة فی معرفة الأئمة، تحقیق: سامی الغریری، قم: دار الحديث، الأولى، ۱۴۲۲ق.
۱۴. ابن عبدالحکم، عبدالرحمن، فتوح مصر واخبارها، تحقیق: محمد الحجیری، بيروت: دار الفكر، ۱۴۱۶ق.

۱۵. ابن عديم، عمر، *زبدة الحلب فى تاريخ حلب*، بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۱۷ق.
۱۶. —، *بغية الطلب فى تاريخ حلب*، بيروت: دار الفكر، [بى تا].
۱۷. ابن عساكر، *تاريخ مدينة دمشق*، تصحيح: محب الدين سعيد، بيروت: دار الفكر، ۱۴۱۵ق.
۱۸. ابن عماد حنبلى، *شذرات الذهب فى اخبار من ذهب*، تحقيق: عبدالقادر الارنؤوط، دمشق: دار ابن كثير، ۱۴۰۶ق.
۱۹. ابن قلايسى، حمزه، *الذيل والمذيل على تاريخ دمشق*، تحقيق: زكار، دمشق: ۲۰۰۷م.
۲۰. ابن منظور، *لسان العرب*، تحقيق: على شيرى، بيروت: دار احياء التراث العربى، اول، ۱۴۰۸ق.
۲۱. ابن يونس عاملى، على، *الصرائط المستقيم*، تحقيق: تصحيح وتعليق: محمدالباقر البهردى، المكتبة المرتضوية لاحياء الآثار الجعفرية، چاپخانه الحيدرى.
۲۲. اسماعيل، على احمد، *تاريخ بلاد الشام فى صدر الاسلام والعصر الاموى*، [بى جا]: دراسة الاجتماعية اقتصادية فكرية و عسكرية، ۱۹۹۸م.
۲۳. اصفهاني، محمود بن محمد بن الحسين، *دستور الوزارة*، محقق / مصحح: رضا انزابى نژاد، تهران: امير كبير، ۱۳۶۴ش.
۲۴. افندى اصفهاني، ميرزا عبدالله، *تعلیقة أمل الآمل*، تحقيق وتدوين: السيد أحمد الحسينى، قم: مكتبة آية الله المرعشى النجفى، چاپخانه الخيام، الأولى، ۱۴۱۰ق.
۲۵. امين، سيد محسن، *ايعان الشيعة*، بيروت: دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.
۲۶. —، *مستدرک ايعان الشيعة*، بيروت: دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۸ق.
۲۷. انورى، حسن، *فرهنگ روز سخن*، تهران: سخن، ۱۳۸۳ش.
۲۸. بحر العلوم، سيد مهدى، *الفوائد الرجالية*، تحقيق وتعليق: محمدصادق و حسين بحر العلوم، طهران: مكتبة الصادق، چاپخانه آفتاب، الأولى، ۱۳۶۳ش.
۲۹. برقوقى، عبدالرحمن، *شرح ديوان المتنبى*، بيروت: دار الكتب العربى، ۱۹۸۶م.
۳۰. تدمرى، *حياة الثقافية فى طرابلس الشام خلال العصور الوسطى*، بيروت: دار فلسطين، [بى تا].
۳۱. خطيب البغدادي، *تاريخ بغداد*، دراسة وتحقيق: مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمية، الأولى، ۱۴۱۷ق.

۳۲. حجازی، فخرالدین، *نقش پیامبران در تمدن انسان*، [بی جا]: بعثت، [بی تا].
۳۳. حرّ عاملی، *امل الامل فی علماء جبل عامل*، تحقیق: سید احمد حسینی، بغداد: ۱۳۸۵ق.
۳۴. حکیمی، محمدرضا، *الحیة، ترجمه: احمد آرام*، [بی جا]: فرهنگ اسلامی، [بی تا].
۳۵. حلاق، حسان، *دراسات فی تاریخ الحضارة الاسلامیة*، بیروت: دار النهضة العربیة، [بی تا].
۳۶. حلبی غزی، کامل، *نهر الذهب فی تاریخ الحلب*، حلب: ۱۳۴۵ق.
۳۷. حلّی، *ایضاح الاشتباه*، تحقیق: شیخ محمد الحسون، قم: جامعه مدرسین، اول، ۱۴۱۱ق.
۳۸. حموی، یاقوت، *معجم البلدان*، بیروت: دار صادر، ۱۹۵۵م.
۳۹. ———، *معجم الادباء*، به کوشش مارگلیوث، لندن: [بی جا]، ۱۹۱۳م.
۴۰. جهنی، علی بن علی محمد، *المکاتبات الاسلامیة واثرها فی التعليم*، مدینه: ۱۴۲۵ق.
۴۱. جعفریان، رسول، *اطلس شیعه*، تهران: انتشارات سازمان، اول، ۱۳۸۷ش.
۴۲. ———، *مقالات تاریخی*، قم: انتشارات دلیل ما.
۴۳. خلیفه، عبدالعزیز، *الکتب والمکتبات فی عصور الوسطی*، قاهره: الدار المصریة، دوم، ۱۴۲۱ق.
۴۴. داود جابر، علی، *حلقة الضائفة من تاریخ جبل عامل من الفتح الاسلامی*، بیروت: دار الهادی، اول، ۱۴۲۶ق.
۴۵. دمشقی، محمد، *نخبة الدهر فی عجایب البر والبحر*، تهران: اساطیر، ۱۳۸۲ش.
۴۶. ذهبی، محمد، *تاریخ الاسلام*، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۱۳ق.
۴۷. ———، *سیر اعلام النبلاء*، تحقیق: محب الدین، بیروت: [بی جا]، اول، ۱۴۱۷ق.
۴۸. ———، *لعب فی خبر عن غیر*، تحقیق: فؤاد سید، کویت: التراث العربی، ۱۹۶۱م.
۴۹. رحال، عاطف، *تاریخ بلاد الشام الاقتصادي فی العصر الاموی*، بیروت: [بی جا]، ۲۰۰۰م.
۵۰. رحمت آبادی، اعظم، *تمدن اسلامی در سرزمین شام*، قم: نشر المصطفی، ۱۳۹۶ش.
۵۱. رفیع پور، فرامرز، *آنا تومی جامعه*، تهران: شرکت سهامی انتشار، اول، ۱۳۷۸ش.
۵۲. زکار، سهیل، *اخبار قرامطه*، ریاض: دار الکوثر، ۱۴۱۰ق.
۵۳. زارع خورمیری، محمدرضا، *شیعه در قرن چهارم هجری*، تهران: آشیانه مهر، ۱۳۹۱ش.

۵۴. سامر، فیصل، دولت حمدانیان، ترجمه: علیرضا ذکاوتی، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰ش.
۵۵. سانتلانا، دافید، المذهب اليونانية الفلسفية فی العالم الاسلامی، بیروت: دار النهضة العربية، ۱۹۸۱م.
۵۶. سبط ابن جوزی، مرآة الزمان فی تاریخ الاعیان، تحقیق: جنان جلیل محمد هموندی، بغداد: الدار الوطنية، اول، ۱۹۹۰م.
۵۷. سرکیس الیان، معجم المطبوعات العربية، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي، بهمن، ۱۴۱۰ق.
۵۸. صفا، ذبیح الله، تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی تا اواسط قرن پنجم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۱ش.
۵۹. صفدی، خلیل بن ایبک، الوافی بالوفیات، تحقیق: احمد الارناؤوط، بیروت: دار احیاء التراث، ۱۴۲۰ق.
۶۰. صنعتگر، خلیل، حمدانیان اولین مدافعان قدس، قم: نور السجاد، ۱۳۸۰ش.
۶۱. طبخ، محمد راغب، اعلام النبلا بتاریخ حلب الشهباء، حلب: دار القلم العربی، دوم، ۱۴۰۸ق.
۶۲. طوسی، محمد بن حسن، رجال طوسی، نجف: مطبعة الحیدریة، ۱۳۸۱ق.
۶۳. —، الفهرست، تصحیح: محمد صادق آل بحر العلوم، نجف: المكتب المرتضوية، [بی تا].
۶۴. طرابلسی، علی ابراهیم، تشیع فی طرابلس و بلاد الشام، بیروت: دار الشامی، ۲۰۰۷م.
۶۵. کتبی، محمد بن شاکر، فوات الوقیات، تحقیق: علی محمد بن یعوض الله / عادل أحمد عبدالموجود، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۲۰۰۰م.
۶۶. کردعلی، محمد، خطط الشام، ۶ جلدی، بیروت: مكتبة النوری، سوم، ۱۴۰۳ق.
۶۷. قفطی، انباه الرواة علی انباء النحاة، تحقیق: ابوالفضل ابراهیم، قاهرة: دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۶۹ق.
۶۸. علیاری تبریزی، علی بن عبدالله هدایت الله، بهجة الآمال فی شرح زبدة المقال.
۶۹. محاسنی، زکی، شعر الحرب فی ادب العرب، قاهرة: دار المعارف، ۱۹۶۱م.

۷۰. محمدی، ذکراالله، نقش فرهنگ و تمدن در بیداری غرب، دانشگاه بین المللی امام خمینی، ج اول، ۱۳۷۳ ش.
۷۱. محمد عمرو، یوسف، صفحات مئة ماضی الشیعة وحاضرهم فی لبنان، بیروت: دار المحجة البيضاء، ۱۴۲۷ ق.
۷۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: [بی جا]، ۱۴۰۳ ق.
۷۳. مصباح یزدی، محمدتقی، پرسشها و پاسخها، ج (۵-۱)، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۱ ش.
۷۴. مقریزی، المواعظ والاعتبار بذكر خطط وآثار، مصحح: سید ایمن فؤاد، لندن: مؤسسة الفرقان للتراث الاسلامی، ۱۴۲۲ ق.
۷۵. مکی سباعی، تاریخ کتابخانه‌های مساجد، ترجمه: عباس پور و مهدوی، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳ ش.
۷۶. مکی، محمدکاظم، منطلق الحیاة الثقافیة فی جبل عامل، بیروت: [بی جا]، ۱۴۱۱ ق.
۷۷. مهاجر، جعفر، اساس تاریخ شیعیان در سوریه و لبنان، [بی جا]: نشر کتاب توت، اول، ۱۳۹۲ ش.
۷۸. موسوی خوانساری، محمدباقر، روضات الجنات، تحقیق: اسدالله اسماعیلیان، ۸ جلدی، [بی جا]: [بی تا].
۷۹. مهاجر، شیخ جعفر، جبل عامل از شهید اول تا شهید ثانی، ترجمه دانش، مشهد: آستان قدس، ۱۳۹۳ ش.
۸۰. مظفر، تاریخ شیعه، ترجمه سید محمدباقر حجتی، [بی جا]: فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
۸۱. نجاشی، احمد، رجال نجاشی، تحقیق: شبیری زنجانی، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۸ ق.
۸۲. نصر، سید حسین، «مفسر عالم غربت و شهید طریق معرفت، شیخ اشراق شهاب‌الدین سهرودی»، مجله معارف اسلامی (سازمان اوقاف)، ش ۱، ۱۳۴۸ ش.
۸۳. نصرالله، ابراهیم، حلب و تشیع، بیروت: مؤسسه الوفاء، اول، ۱۴۰۳ ق.
۸۴. نیکلسون، رنولد، تاریخ ادبیات عرب، ترجمه کیوانی، [بی جا]: انتشارات دستار، ۱۳۸۰ ش.

۸۵. وافدی، محمدبن عمر، فتوح الشام، ۲ جلدی، بیروت: دار الجیل، [بی تا].
۸۶. وائقی، حسین، الشیعة فی کتاب بغیة الطلب، قم: ۱۴۲۶ق.
۸۷. ولایتی، علی اکبر، تاریخ و تمدن اسلامی، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۴ش.
۸۸. ویل دورانت، تاریخ تمدن؛ مشرق زمین، گاهواره تمدن، تهران: علمی و فرهنگی، [بی تا].
۸۹. هاشم عثمان، تاریخ شیعه در شام، تحقیق: حسن حسین زاده، مشهد: بنیاد پژوهش‌ها، ۱۳۸۲ش.
۹۰. هانتینگتون، ساموئل، نظریه برخورد تمدن‌ها، ترجمه مجتبی امیری، تهران: ۱۳۷۴ش.



